



بررسی علوم رفتار زیست محیطی در حفاظت پایدار از محیط زیست

چکیده

در سال‌های اخیر، تخریب منابع زیست‌محیطی (منابع آب و خاک) نگرانی‌ها را در مورد دستیابی بشر به توسعه پایدار کشاورزی را افزایش داد. رفتارهای زارعان از طریق تأثیرگذاری بر کیفیت منابع آب و خاک، نقش مهمی در حصول پایداری در کشاورزی دارد. به طور کلی انسان‌ها با اعمال و رفتار خود، هم می‌تواند موجب تخریب طبیعت و محیط‌زیست خود شوند و هم می‌تواند با به کار بردن اصول فنی و علم و دانش خود باعث تنوع زیستی و پوشش گیاهی و وسعت جنگل‌ها شوند. حفاظت از محیط زیست به معنای استفاده بهینه و مناسب از محیط‌زیست است به نحوی که بتواند کیفیت خود را از نظر زندگی انسان حفظ کند. توسعه علوم رفتارزیست‌محیطی وظیفه اصلی ما به عنوان عضو جامعه است که در نهایت به افزایش دانش، نگرش و رفتار و اخلاق مسئولانه در حفاظت پایدار از محیط زیست منجر می‌شود. هدف از این مقاله نقش علوم رفتار زیست محیطی بر حفاظت پایدار محیط زیست می‌باشد این نوع تحقیق از انواع تحقیقات اسنادی و بررسی منابع معتبر و کتاب‌ها و مروری می‌باشد. نتایج حاصل از این تحقیق، حاکی از این واقعیت است که با رعایت اخلاق زیست‌محیطی و افزایش آگاهی‌ها عمومی، تلاش در جهت رفتار مسئولانه حفاظت زیست‌محیطی را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: اخلاق، دانش و سواد زیست‌محیطی، علوم رفتارزیست محیطی حفاظت محیط زیست، توسعه پایدار.

مقدمه

شیوه‌های متمرکز کشاورزی موجب خسارات زیست‌محیطی فراوانی از قبیل فرسایش خاک، آلودگی آب‌های زیرزمینی و سطحی با کودهای مغذی یا آفت‌کشها، زوال زیست‌بوم‌های طبیعی و کاهش تنوع ژنتیکی شد. کشاورزان برای اجتناب یا کاهش این آثار زیست‌محیطی، می‌توانند از اقدام‌های حفاظتی پیشگیرانه استفاده کنند. پذیرش و کاربرد این اقدام‌های پیشگیرانه زیست‌محیطی به سه جنبه اصلی وابسته است: اول، ویژگی‌های این اقدام‌های حفاظتی؛ دوم، ترجیحات و نگرش‌های شخصی زارع به‌عنوان شخص پذیرنده؛ سوم، شرایط ساختاری (مثل شرایط آب‌وهوایی محلی) (Sattler and Nagel, 2010). هرچند از دیدگاه (Zimmerman & Lichtenberg, 1999)، رفتار متأثر از مجموعه پیچیده‌ای از عوامل است، اما بخش زیادی از رفتار، با نگرش به محیط زیست تعیین می‌شود که این نگرش نیز متأثر از میزان دانش و اطلاعات فرد است. فراهم آوردن اطلاعات در مورد آثار زیست‌محیطی استفاده از آفت‌کشها و راه‌های تغییر در فعالیت‌های مدیریت آفات می‌تواند این آثار را کاهش دهد. (Fenton et al., 2000) ویژگی‌هایی مثل میزان آموزش‌های رسمی و غیر رسمی، تجربه مدیریت زمین یا کشاورزی، ویژگی‌های مالی زراعی، ساختار مزرعه، نگرش و ادراکات درباره تغییر، تماس با منبع تغییر و مشارکت داوطلبانه را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری زارعان در زمینه رفتارهای زیست محیطی معرفی کردند. برخی دانشمندان معتقدند هرچند فاکتورهای اقتصادی در تصمیم برای پذیرش فعالیت‌های حفاظتی مهم به‌شمار می‌روند، آنها به طور کامل رفتار پذیرش را تبیین نمی‌کنند. فاکتورهای جامعه‌شناختی نیز برای برخی زارعان مهم به‌شمار می‌روند؛ برای مثال، زارعان و دامداران که اخلاق حفاظتی قویتری دارند، ممکن است به دلیل احساس و تمایل به ایجاد رفاه برای نسل‌های آینده، منافع و سودهای کمتر را دنبال کنند و فعالیت‌های حفاظتی را بیشتر بپذیرند (Clearfield & Osgood, 1986). در این راستا (Schenk et al., 2007) دریافتند عامل اقتصادی (مثل مشوق‌ها) تنها یا مهمترین عامل مؤثر بر پذیرش اقدام‌های حفاظت محیط زیست نیست؛ البته هیچ وقت نباید آن را نادیده گرفت. همچنین، دسترسی به اطلاعات، هرچند کلی، نقش مهمی در پذیرش اقدام‌های زیست محیطی به‌صورت بلندمدت و پایدار دارد. از زمانی که بشر بر کره خاکی پا گذاشته است تعامل مداوم و پایداری بین او و جهان طبیعت برقرار بوده است، اما با رشد جمعیت و دستیابی به اختراعات و کشفیات جدید علمی که انسان را به سوی صنعتی شدن رهنمون می‌کرد، این روند همه روزه با افزایش تقاضا از طبیعت و تخریب منابع آن همراه است (Shobeiri & Prahalada, 2007) به گونه‌ای که با حذف منابع طبیعی و کاستن از تنوع زیستی سیاره به



ساختار خود حیات که رفاه ما وابسته به آن است آسیب می‌رسانیم (فریتیوف، ۱۳۸۶: ۲۵۸) و سرعت گسترش خطرهای اکولوژیک را نیز که در حوزه تخریب طبیعت قرار دارند افزایش می‌دهیم (عنبری، ۱۳۸۷: ۱۵۲). به واسطه درک همین پیامدهای بلندمدت مسائل و مشکلات زیست‌محیطی (Budak, 2005:2) در زندگی انسانها و دیگر موجودات بود که اندیشه: حمایت از محیط‌زیست مظهر تلاشی معرفی شد برای گسترش مفهومی که از جامعه داریم، فراتر بردن آن از نسل کنونی آدمی و شمول آن بر تمام موجودات اعم از انسان و غیرانسان و حال و آینده و نیز نظام زیستی کنونی که ما جملگی بخش‌هایی وابسته به آن هستیم (فیتز پتریک، ۱۳۸۹: ۳۸۹-۳۶۸). در دهه‌های اخیر کشور ما نیز با مشکلات و مسائل زیست‌محیطی زیادی روبه‌رو بوده و برخی آسیب‌ها و تخریب‌های زیست‌محیطی را تجربه کرده است. اما به واسطه افزایش گرایش جهانی به مصرف انرژی‌های برگشت‌ناپذیر مانند نفت، زغال سنگ و گاز و اتکای بیش از حد ایران به منابع زیرزمینی خود، به نظر می‌رسد در حال حاضر مصرف بی‌رویه انرژی در ایران و در پی آن تخریب منابع زیرزمینی و ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی، می‌تواند جزء مهم ترین مسائل مرتبط با رفتارهای زیست‌محیطی افراد باشد. به‌وجود آمدن اندیشه حمایت از محیط زیست ضرورت توجه به ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی انسان را بیش از پیش نشان می‌دهد. بار (۲۰۰۳) ارزش‌های زیست‌محیطی را شامل جهت‌گیری اساسی فرد در زمینه محیط‌زیست و نشان دهنده جهان‌بینی او در قبال جهان طبیعی می‌داند (Barr, 2003, et al.). شولتز و زلز نی (۱۹۹۹) معتقدند که نظام ارزشی به منزله یکی از عوامل تعیین کننده رفتار زیست‌محیطی همواره مرکز توجه پژوهشگران بوده است (ZSchultz & Zelezny, 1999). استرن (۲۰۰۰) معتقد است که ارزش‌ها نسبتاً پایدارند (Steg et al., 2011) و به‌مثابه راهنمای اساسی در زندگی افراد مفهوم‌سازی می‌شوند (Hedlund, 2011). به گونه‌ای که ارزش‌ها به جهت‌گیری‌های رفتاری افراد شکل می‌بخشند (همان). شوارتز ارزش‌ها را استانداردهای مهم زندگی تلقی می‌کند که از اصول هدایت‌کننده در زندگی شخصی ما هستند. او ارزش‌ها را متمایز از عقاید یا نگرش‌ها می‌داند (Schwartz, 1992) و معتقد است که ارزش‌ها همچون نظامی سازماندهی شده عمل می‌کنند و تعیین کننده نگرش‌ها و رفتار هستند (همان). در همین زمینه، نوردلاند و گارویل (۲۰۰۲) معتقدند افرادی که اولویت را به جمع یا ارزش‌های خودتعالی می‌دهند، در مقایسه با افرادی که اولویت را به ارزش‌های خودافزایی می‌دهند، بیشتر به فعالیت‌های مسئولانه زیست‌محیطی گرایش دارند (Nordlund & Garvill, 2002). با توجه به اهمیت تأثیر ارزش‌های زیست‌محیطی بر رفتارهای زیست‌محیطی و نیز اهمیت مسئله انرژی در ایران، به نظر می‌رسد سنجش میزان و درجه ارزش زیست‌محیطی افراد و نیز میزان اثرگذاری آن بر مصرف انرژی افراد می‌تواند نقش مهمی در شناخت فرایند پیچیده عوامل تأثیرگذار بر رفتار زیست‌محیطی ایفا کند.

حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست نه تنها به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه پایدار بلکه به عنوان ارزش بنیادین مورد نیاز نسل امروز و نسل‌های آتی مورد پذیرش و تأکید قرار گرفته است (کیانپور، ۱۳۹۳). طبیعت به عنوان یک امانت برای انسان است نه چیز دیگری و انسان نباید بدون در نظر گرفتن مسئولیتش در امانت‌داری از امانت، بد استفاده کند (اصفهانی، معصومی، ۱۳۸۴). حفاظت از محیط زیست به معنای استفاده بهینه و مناسب از محیط زیست است به نحوی که بتواند کیفیت خود را از نظر زندگی انسان حفظ کند (دولت‌آبادی، ۱۳۸۲). حفاظت از محیط زیست و اطمینان از پایداری و همه جانبه بودن توسعه آن جدیترین چالش پیشروی جامعه جهانی است، بنابراین احیاء و نگهداری هرگونه حیاتی مساوی است با امکان زندگی بهتر و بیشتر برای انسان‌ها در روی کره زمین. رابطه بین انسان و سایر موجودات جهان به هم پیوند خورده که نابودی یک گونه می‌تواند یک گزینه از امکانات زندگی انسان را کاهش دهد (ولایی، ۱۳۷۶).

اخلاق زیست محیطی

اخلاق زیست محیطی، شاخه‌ای از مطالعات است که تعامل انسان با محیط غیرانسانی را از منظر اخلاقی بررسی می‌کند. در اخلاق سنتی، عموماً انسان که موجودش مختار و دارای افعال و آثاری است، محور مسائل اخلاقی بوده است، لیکن تحولات اخیر و تاثیرگذاری فناوری‌های جدید در تخریب سریع و ناجوان‌مردانه محیط زیست، زمینه توجه را به جانب غیر از انسان، اعم از حیوانات، کل موجودات زنده



و مجموعه‌هایی مانند جمعیت، جوامع گیاهی، اکوسیستم‌ها، دریاچه‌ها، جویبارها و کوه‌ها کرده است. با این مقدمه، روشن می‌شود که محیط زیست، خود مفهومی نسبی و قیاسی است؛ براین اساس، همواره این سؤال مطرح است که منظور از محیط زیست، محیط زیست انسان، حیوانات و یا چه کسی است؟ محیط زیست در این معنا، تمام کره زمین با همه موجودات، آب‌ها و خاک‌ها وکل زیست کره و حتی فراتر از آن را شامل است، اما اخلاق زیست‌محیطی، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به برخورد انسان‌ها با عالم غیرانسان و عناصرغیرانسانی می‌پردازد. از این رو، آن چه مستقیماً مورد توجه اخلاق زیست‌محیطی قرار دارد، بررسی چگونگی رابطه عوامل انسانی آگاه و خودمختار با چیزهای موجود در محیط زیست است. گفتنی است که اخلاق زیست‌محیطی، نه تنها به محیط طبیعی، بلکه به محیط شهری نیز توجه دارد؛ توجه به تاثیرپذیرش فیزیکی، ذهنی و روحی آدمی از طراحی و مصالح ساختمان‌های ساخته شده، نمونه‌ای از این مسائل است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹).

ترویج و اخلاق زیست محیطی

کشاورزی از هر نوعی که باشد به محیط زیست آسیب می‌رساند (Paarlberg, 2009) و ترویج کشاورزی برای حفاظت از محیط زیست از شیوه‌های مختلفی بهره می‌گیرد که تغییر در دانش، نگرش و رفتار افراد را مدنظر دارند. ترویج سعی دارد تا آگاهی روستاییان و کشاورزان هم نسبت به مسائل و مشکلات زیست محیطی و هم نسبت به راحل‌های برون رفت از این مسایل به نحوی تغییر یابد که رفتارهای سازگار با پایداری در کشاورزی تضمین شود. در این راستا، باید توجه داشت که علم کشاورزی به ما این دانش را می‌دهد روابط عواملی مانند آب، خاک و گیاه چگونه است و به چه صورت می‌توان محصول بیشتری تولید کرد، اما این دانش به خودی خود به ما نمی‌آموزد که چرا باید مراقب زمین بود و از محیط زیست محافظت کرد. این وظیفه اخلاق است که مشخص کند ما چگونه باید زندگی کنیم و چرا باید مراقب منابع تولید در کشاورزی باشیم. محیط زیست طبیعی نه فقط به دلیل منافع انسانی بلکه به دلیل ماهیت ذاتی خویش از ارزش برخوردار است و باید مورد احترام قرار گیرد (Abedi & Shahvali, 2008). این رویکرد در برگیرنده کاربرد اخلاق در چگونگی رفتار درست انسان با طبیعت است آموزش اخلاق زیست محیطی یک از وظایف مروجان است که باعث پایداری کشاورزی و محیط زیست می‌شود و باعث تصمیم درست می‌شود (Hansen, 2009).

سواد زیست محیطی

سواد زیست محیطی آموزش عملی پایه‌ای برای همه مردم است که برای آنها دانش، مهارت و انگیزه‌های مقدماتی را فراهم می‌کند تا بتوانند نیازهای زیست محیطی خود را برطرف نمایند و به توسعه پایدار کمک کنند (یونسکو، ۱۹۸۹). توسعه سواد زیست محیطی یک وظیفه اصلی برای ما به عنوان یک جامعه می‌باشد و آموزش زیست محیطی ابزاری برای توسعه سواد زیست محیطی می‌باشد (عظیمی، ۲۰۱۳). سواد زیست محیطی قدرت درک و دریافت مسائل محیط زیست شهری می‌باشد که در نهایت به نگرش مثبت نسبت به محیط زیست و در جهت حفاظت از محیط زیست منتج می‌شود (ابوالحسنی، ۱۳۹۱). سواد زیست محیطی از هر دو نظر اصطلاح شناختی یعنی، با علم به عنوان پیش شرط ضروری برای رفتار و عمل متفکرانه و همچنین بر حسب اصطلاح شناختی تغییرات رفتاری که مستقیماً از علم و مهارت کسب می‌گردد، تعریف می‌شود. به هر حال سواد زیست محیطی عبارت از توانایی و ظرفیت به کارگیری علم زیست محیطی پایه‌ای مفاهیم و مهارت فکر کردن برای فرموله کردن عملیات بر روی موضوعات زیست محیطی در رفتارهای روزانه است. که شامل یک مولفه اصلی می‌باشد: دانش زیست محیطی، دانش سیاسی اجتماعی، دانش مسائل زیست محیطی، مهارت‌های شناختی و رفتارهای مسئولانه زیست محیطی می‌باشد (عظیمی و - همکاران، ۲۰۱۳). از نظر آرجن و فیش بین (۱۹۸۰) دانش عبارتست از اعتقاد به دانسته‌ها و معلومات و دانش همچنین می‌تواند به جزیی از شناخت یا (cognitive) اشاره کند (شبیری، عبداللهی، ۱۳۸۸). فردوسی و همکارانش (۱۳۸۸) از دانش و نگرش افراد نسبت به مسایل زیست محیطی به عنوان تعیین کننده‌های مهم در زمینه پیش بینی رفتارهای محافظت از محیط یاد کرده‌اند (استوار، شاه ولی، سامانی، ۱۳۹۱). عمده تحقیقات انجام شده در زمینه تاثیر دانش بر رفتارهای



محافظت از محیط زیست، تاثیر دانش را بر افزایش رفتار محافظت از محیط زیست تایید کرده اند (همان منبع). دانش زیست محیطی از لحاظ نظری، شامل اطلاعاتی است که افراد درباره ی محیط زیست، بوم شناسی، سیاره ی زمین و تاثیر کنش های انسانی بر روی محیط زیست / زیست بوم دارند (آرکری و جانسون، ۱۹۹۰). نگرش زیست محیطی بخشی از ارزش ها و احساس نگرانی ها برای محیط زیست و انگیزش برای فعالیت های مشارکتی در توسعه زیست محیطی و حفاظت از محیط زیست می باشد (همان منبع) رفتار مسئولانه زیست محیطی مشارکت فعال و آگاه به منظور حل و برطرف نمودن مشکلات و موضوعات زیست محیطی، طبقه بندی اقدامات مسئولانه زیست محیطی شامل مجاب سازی (ترغیب)، فعالیت مصرفی، مدیریت اکولوژیکی، اقدامات سیاسی و اقدامات قانونی است (میبودی، کریم زادگان، ۲۰۱۲). سواد زیست محیطی گردشگری از رویکرد حفاظت از محیط زیست یعنی فرهنگ سازی و اشاعه نحوه جذب گردشگر با حفظ محیط زیست، یعنی سالم سازی و احیای محیط زیست جهت جذب گردشگر: یعنی ایجاد امکانات و تسهیلات مناسب جهت جذب گردشگر و ایجاد امنیت برای گردشگران. بنابراین داشتن شهروندانی با سواد زیست محیطی پیشرفته بطور روزافزون لازم و ضروری می نماید. شهروندان نیاز به مهارت هایی دارند تا بتوانند مسائل و مشکلات را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند و دست به اقدامی موثر بزنند (عظیمی و همکاران، ۲۰۱۳).

اخلاق و محیط زیست

در دهه ی ۱۹۷۰ فلسفه شروع به تدوین رشته ی جدیدی به نام اخلاق زیست محیطی کردند که به مطالعه ی ارزش محیط فیزیکی و زیست شناختی می پردازد. کانون توجه این رشته از مطالعات، در نقطه ی مقابل مطالعات سنتی اخلاق، جای می گیرد که به رابطه ی بین انسان ها می پردازد. آنان که با رشته ی اخلاق زیست محیطی، آشنا هستند، به درستی می دانند که مطالعه ی اخلاق زیست محیطی، در سال های اخیر، به صورت یک رشته ی بزرگ و پیچیده ای در آمده است (وهاب زاده، ترجمه شناخت محیط زیست، بوتکین، کلر: ۱۳۸۲، ص ۶۲۷).

چالش اخلاق زیست محیطی

درونشته های مربوط به اخلاق زیست محیطی، فرق بین ارزش ابزاری و ارزش ذاتی (درونی) (یا ارزش غیرابزاری)، بسیار قابل توجه و مهم بوده است. عبارت اولیه، ارزش بیرونی دارد و چیزهایی را شامل می شود که برای دیگران، خراج از خود ارزشمندی است، در صورتی که عبارت دوم، ارزش درونی و ذاتی دارد و ارزش آن، در خود نهفته است و بستگی به این ندارد که آیا براش دیگران مفید باشد یا خیر. به زبان دیگر، عبارات اولی، ارزش آن، به ذات نیست و عبارت دوم، دارا ارزش به ذات است (شبیری، عبدلهی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۲ و ۲۵۳).

مقایسه اخلاق پایدار و اخلاق شتاب زده زیست محیطی

جدول ۱- مقایسه اخلاق شتاب زده با اخلاق پایدار

اخلاق پایدار	اخلاق شتاب زده
۱. زمین دارای منابع محدود بوده که متعلق به همه گونه های زنده می باشد.	۱. زمین مخزن نامحدود منابع است که فقط برای ما انسان ها به وجود آمده است و ما در استفاده از آن، برهمه ی موجودات، برتری داریم.
۲. بازیابی و استفاده از منابع تجدید پذیر، از تخلیه منابع، جلوگیری می کند.	۲. وقتی منابع تمام شود بایستی به جای دیگری رفت و از منابع تازه تری استفاده نمود.
۳. ارزش زندگی، فقط کل حساب های بانکی افراد نیست.	



۳. اگر ما به طور مداوم، به دارایی‌های مادی خود بیرزدازیم و در ازای آن، کوشش کنیم، زندگی بهتری خواهیم داشت.	۴. هزینه هر پروژه خیلی بیشتر از فقط مجموع انرژی، کارگر و مواد است. هزینه‌های خارجی مانند بهداشت و محیط زیست را نیز بایستی به حساب آورد.
۴. هزینه هر پروژه، به وسیله هزینه مواد، انرژی و نیروی کار، تعیین می‌شود و فقط جنبه اقتصادی است که مهم است.	۵. ما بایستی طبیعت را درک کرده و با آن، همکاری نماییم.
۵. کلید موفقیت، به وسیله تسلط بر طبیعت و کنترل آن، به دست می‌آید.	۶. کوشش افراد برای حل مشکل را بایستی بر قوانین محکم و تکنولوژی جدید، همراه ساخت.
۶. قوانین جدید و تکنولوژی، مسائل زیست محیطی ما را حل می‌کند.	۷. ما برتر از طبیعت نیستیم و جزئی از آن، به حساب می‌آییم. تابع قوانین او هستیم و اجزای آن، برایمان قابل احترام است.
۷. بشر، از طبیعت، جدا و برتر از آن است.	۸. ضایعات و آلودگی‌ها، غیرقابل تحمل هستند و هر ضایعات قابل بازیافتی، بایستی مصرف شود.
۸. ضایعات و آلودگی، در تمام فعالیت‌های بشری، قابل پیش بینی هستند.	

(شبیری، عبدالهی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴).

ارزش‌ها و نگرش‌های زیست محیطی گردشگران

ارزش‌ها از ارتباط بین محیط و متن فرهنگی به وجود آمده و نمایانگر این ارتباط نیز هستند. گری (۱۹۸۵) معتقد است ارزش‌ها، راه دیدن جهان و ارتباط با آن هستند و به همین دلیل در رفتاری که انسان در قبال طبیعت به عنوان بخشی از جهان زیستی‌اش دارد مؤثرند. استرن و همکارانش در مطالعه‌ای در باب نگرانی زیست محیطی گردشگران به هر دو جنبه کلی و خاص ارزش‌های زیست محیطی پرداخته‌اند. طبق نظر آنها ساختار اجتماعی، ارزش‌های اساسی شخص که بر جهان بینی و باورهای کلی وی درباره محیط زیست مؤثرند را شکل می‌دهد و این باورهای کلی نیز متعاقباً باورها و نگرش‌های خاص تر (مثل باور به اینکه توریسم توده تهدیدی برای محیط زیست است) را شکل می‌دهند. نهایتاً همین باورها و نگرش‌های خاص هستند که به رفتار واقعی گردشگر در محیط زیست مقصد منجر می‌شوند (Stern et al., 1995). بنابراین آنچه بیش از هر چیز در این تحقیق مدنظر است، آگاهی از میزان ارزش‌های زیست محیطی کلی گردشگران و ارتباط آن با رفتارهای کلی و خاص زیست محیطی افراد است. درباره تأثیر ارزش‌ها و نگرش‌های زیست محیطی در یکی از مهم‌ترین رفتارهای زیست محیطی یعنی رفتار مصرف انرژی، می‌توان دو نوع موضع گیری را در بین محققان مشاهده کرد. ویترا سپون و همکارانش و بسیاری دیگر از محققان معتقدند که نه داشتن دغدغه‌های زیست محیطی و نه نگرش مثبت به سیاست‌های صرفه جویی، هیچ کدام نمی‌توانند الزاماً به رفتار مطلوب بینجامد (Witherspoon et al., 1995: 57). اما گروهی دیگر معتقدند که نگرش‌های انرژی انگیزه‌های متفاوتی دارند و نوع انگیزه‌ها می‌توانند در تأثیرگذاری نگرش‌ها تأثیر داشته باشند. برای مثال مویس آندر بر اساس مطالعاتش در فنلاند معتقد است چهار نوع انگیزه پشتوانه نگرش‌های صرفه جویانه به مصرف وجود دارد. این انگیزه‌ها عبارتند از: ۱- شناخته شدن به عنوان مصرف کننده سبز، ۲- دل مشغولی داشتن در قبال مسائل اکولوژیک، ۳- حفاظت از محیط زیست بر اساس ملاحظات اخلاقی، ۴- حفاظت از محیط زیست بر اساس فشار هنجاری (Moisander, 2002). به اعتقاد وی، از میان چهار انگیزه بالا، موارد ۱ و ۳ بیشترین تأثیر را بر رفتار متناسب با محیط زیست دارند.

دانش زیست محیطی

کایزر و همکارانش (۱۹۹۹) دانش زیست محیطی را اطلاعات فرد درباره معضلات محیطی، عوامل مؤثر بر گسترش این معضلات و اطلاعات درباره آن چه فرد می‌تواند برای بهبود این وضعیت انجام دهد، تعریف می‌کنند (آقامحمدی، ۱۳۸۵، ص. ۳۲). به نظر فریک و همکارانش سه نوع دانش زیست محیطی وجود دارد، از قبیل:



۱- دانش درباره نظام های زیست محیطی ؛ قبل از آن که فردی بتواند اقدامی انجام دهد، باید شناختی از وضع طبیعی اکوسیستمها داشته باشد، یا به عبارتی نظام های زیست محیطی را بشناسد.

۲- دانش عمل زیست محیطی : دانستن این که برای مسائل زیست محیطی چه می توان کرد. ممکن است مردم بدانند دی اکسید کربن زمین را گرم می کند اما ندانند که چگونه باید مانع تولید دی اکسید کربن شد؛ لذا دانش عمل زیست محیطی به مردم اجازه می دهد تا خودشان مستقیماً در زمینه عمل زیست محیطی اقدام کنند. برخی معتقدند داشتن « دانش عمل زیست محیطی پیش گیرانه » بهتر می تواند رفتار زیست محیطی را برانگیزاند.

۳- دانشی که مزیت های رفتارهای زیست محیطی مسئولانه را نشان می دهد.

تصور می شود که دانش درباره نظام های زیست محیطی، زمینه ساز دو نوع دیگر باشد اما اثر مستقیم بر رفتار زیست محیطی ندارد، لیکن دو گونه دیگر اثر مستقیم بر رفتار زیست محیطی دارند (Frick et al., 2004: 1598) تأثیر دانش، ارزش ها و باورهای زیست محیطی بر مصرف انرژی به مثابه یکی از صورت های رفتارهای مرتبط با محیط زیست نیز غیرمستقیم است. فریک و همکارانش نشان داده اند که تأثیر مستقیم دانش زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی فقط ۶ درصد است (P. 1610) وردوگا و همکارانش نیز این تأثیر غیرمستقیم را نشان داده اند «باور زیست محیطی، نظامی از نگرش هاست که رفتار فرد در برابر محیط زیست را تعیین می کند. باورهای زیست محیطی، چارچوب مرجع در تعامل با محیط زیست هستند. نکته مهم این است که تأثیر آن ها بر کنش، غیرمستقیم و با واسطه متغیرهای دیگر صورت» می گیرد (Vrduga et al., 2003: 248). بر همین اساس تصور می شود که آگاه کردن مردم از پیامدهای زیست محیطی رفتارهایشان، می تواند آن ها را به در پیش گرفتن رفتارهای زیست محیطی مناسب تشویق کند. نگرش های زیست محیطی خود تحت سیطره ارزش های خاص فایده گرایانه، مذهبی، زیست محیطی و ملی است. پژوهش های انجام شده در پنج کشور اتحادیه اروپا نشان می دهد تحصیل کرده ها نگرش زیست محیطی مناسب تری دارند و رفتارشان نیز متأثر از همین نگرش هاست و بر اساس ملاحظات زیست محیطی، کمتر از وسیله نقلیه شخصی استفاده می کنند؛ زنان بیش از مردان موافق رفتارهای مناسب محیط زیست هستند و اعمالی نظیر جداسازی زباله ها و توجه به برچسب های زیست محیطی را بیشتر انجام می دهند؛ و مردم در حالت کلی با اقدامات تنبیهی و تنظیمی برای ایجاد رفتارهای زیست محیطی موافق هستند، اگرچه در مواردی که اجرای عملی سیاست ها پیش می آید، موافقت کمتر می شود. افراد طبقه پایین بیش از بقیه طبقات اجتماعی با اعمال سیاست های زیست محیطی مخالف هستند (Witherspoon et al., 1995).

درک منافع جمعی از کنش زیست محیطی

لابل (۲۰۰۲) تحت تأثیر نظریه های مبادله و منافع به تشریح رفتار زیست محیطی می پردازد. این نظریه ها ریشه در نظریه های انتخاب عقلانی همچون نظریه های منافع جمعی، نظریه منافع شخصی جیمز کلن و نظریه مبادله هومنز و امرسون دارند و نتیجه تلفیقی آن ها که در الگوهای نظری جدید مورد نظر است تأکید بر این نکته است: هر چه وزن متغیرهایی که به ارزیابی نفع عمومی و سود شخصی حاصل از رفتار می انجامد بیشتر باشد امکان بروز رفتار هم افزایش می یابد و برعکس هر چقدر درک هزینه های سود « ارزیابی فایده » عمل نزد فرد بیشتر باشد، احتمال اقدام به عمل ضعیف تر است دو مفهوم اساسی در این نظریه است. در « کاهش هزینه های عمل » جمعی و شخصی حاصل از رفتار به منظور لحاظ کردن متغیرهای « درک منافع جمعی » اینجا از مفهوم غیرفردی مؤثر بر رفتار بهره خواهیم گرفت. انتظار می رود کسانی که از رابطه مستقیم یا غیرمستقیم بین سلامت زیست محیطی و شکوفایی اقتصادی جامعه اطلاع دارند و به آن باور دارند و همچنین کسانی که مشکلات زیست محیطی را تهدیدی برای زندگی اجتماعی می دانند در برابر رفتارهای



زیست محیطی خود حساس باشند و بیشتر عمل زیست محیطی مناسب انجام دهند. در واقع این ها کسانی هستند که به پیامدها و منافع جمعی عمل زیست محیطی شان آگاه هستند.

بحث و نتیجه گیری

در چند دهه گذشته، به ارتباط بین بشر و محیط زیست به عنوان موضوعی مهم توجه شد، زیرا به نظر میرسد منابع زیست محیطی (آب و خاک) سریعتر از زمانیکه برای بازیابی لازم دارند، توسط انسان ها مصرف و تخریب می شوند. در این راستا، طرفداران محیط زیست معتقدند برای حل مسائل زیست محیطی، باید از علوم فیزیکی و اکولوژیکی به سوی علوم رفتاری حرکت کرد، زیرا به نظر میرسد این علوم، پتانسیل خوبی برای توسعه راه های بهبود محیط زیست داشته باشند. به همین دلیل، به بررسی رفتارهای انسان ها در ارتباط با منابع محیط زیست از طریق تئوری های رفتاری توجه شد. لازمه کشاورزی پایدار، توجه به ماهیت و روند تغییرات در محیط زیست طبیعی است. کشاورزی رایج و رفتار کشاورزان با منابع تولید به صورتی در آمده است که نگرانی هایی درباره آینده کشاورزی و تامین غذای کافی و سالم را سبب شده است. اگر چه با کمک علم نوین می توان تغییرات ایجاد شده را بررسی کرد و قضاوت نمود که آیا روند این تغییرات مطلوب است یا خیر، اما برای تبیین چرایی و چگونگی تصحیح رفتارهای نادرست در کشاورزی به علم اخلاق نیاز است. به همین دلیل، توجه به علوم رفتار زیست محیطی در کشاورزی می تواند یک نقش تعیین کننده در حفاظت از طبیعت و منابع تولید داشته باشد و در این راستا ترویج اخلاق زیست محیطی در بین کشاورزان یک راهبرد اساسی برای حفاظت از محیط زیست است. محققان تلاش های زیادی برای ارائه طرحی اجمالی از عواملی که بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذارند انجام داده اند از جمله ارزش ها نقش مهمی در شکل دهی رفتارهای زیست محیطی (مصرف انرژی) در سطح جامعه ایفا می کنند، اما باید توجه داشت که ارزش یگانه متغیر هدایت کننده رفتار نیست و در کنار آن بایست به نقش متغیرهایی همچون عوامل موقعیتی، نگرش افراد، دانش و آگاهی افراد از موضوع و درک اهمیت آن توجه کرد و پیشنهاد می شود:

- آگاهی زارعان از نتایج مضر فعالیت هایشان موجب احساس مسئولیت بیشتر در آنها به حفظ منابع زیست محیطی می شود

- پایبندی زارعان به رعایت اصول اخلاقی (پرهیز از منفعت طلبی، آینده نگر و صرفه جویی) در ارتباط با محیط زیست موجب می شود رفتارهای حفاظتی از سوی آنها تسهیل شود؛ بنابراین، توصیه می شود با آموزش های مستقیم، آزاد و گروهی زارعان را بیشتر متوجه آینده کشاورزی کنیم، شیوه های صرفه جویی را هر چه بیشتر در زمینه منابع آبی به آنها بیاموزیم و به طور کلی آنها را از حرص و منفعت طلبی جدا کنیم تا بیشتر به فکر حفظ منابع زیست محیطی باشند

- شناسایی و معرفی الگوهای زارعان موفق در زمینه فعالیت های حفاظت محیط زیست و فراهم آوردن فرصت ملاقات آنها با سایر زارعان می تواند نقش مهمی در افزایش آگاهی عمومی زارعان از اینگونه فعالیت ها، تقویت حس مسئولیت پذیری و در نهایت جنبش عمومی در راستای حفاظت محیط زیست داشته باشد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش، دانش و نگرش افراد به مسایل زیست محیطی می تواند از تعیین کننده های مهم در زمینه پیشبینی رفتارهای محافظت از محیط باشد.

منابع

آقامحمدی، ع (۱۳۸۶). «بررسی رفتارهای زیست محیطی معلمان آموزش دوره ی ابتدایی (مورد مطالعه: استان مازندران)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، بابل سر: دانشگاه مازندران.

ابوالحسنی ن و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی نقش آموزش در ارتقاء اخلاق و فرهنگ زیست محیط»، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست.



- استوار، س و شاه ولی، م و سامانی، س (۱۳۹۱). «بررسی نگرشهای زیست محیطی دانش آموزان راهنمایی و متوسطه مدارس آموزشی جزیره کیش»، اولین همایش ملی حفاظت و برنامه ریزی محیط زیست.
- بخش آموزش علمی فنی و حرفه ای یونسکو (۱۳۷۰)، آموزش بین المللی محیط زیست (ف، برومند، مترجم) تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- بوتکین، دانیل و ادوارد کلر (۱۳۸۲). «شناخت محیط زیست»، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- دولت آبادی، ح (۱۳۸۲). «فرهنگ محیط زیست» انتشارات: فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- شیری، س و عبدالمی، س (۱۳۸۸). «نظریه ها و کاربردهای آموزش محیط زیست»، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- عظیمی، م و همکاران (۲۰۱۳). «تبیین نشانگرهای سواد زیست محیطی بر اساس بر اساس استانداردهای سواد علوم در در پروژه ۲۰۶/امریکا»، اولین کنفرانس ملی آموزش فرهنگ اخلاق زیست محیطی.
- عنبری، م (۱۳۸۷). «جامعه شناسی فاجعه، کندوکاوی علمی پیرامون حوادث و سوانح در ایران»، تهران: دانشگاه تهران.
- فیتز پتریک، ت (۱۳۸۱). «نظریه رفاه، سیاست اجتماعی چیست؟»، ترجمه هرمز همایون پور، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کاپرا، ف (۱۳۸۶). «پیوندهای نهان، تلفیق گستره های زیستی، شناختی و اجتماعی حیات در علم پایداری»، ترجمه محمدحسین اکبری، تهران: نی.
- کیانپو، ک، آقامیری، ن و محمدی روزبهانی، م (۱۳۸۸)، «آموزش گامی به سوی توسعه فرهنگ حفاظت از محیط زیست»، دومین همایش ملی و تخصصی پژوهش های محیط زیست ایران، همدان، دانشکده شهید مفتح.
- میبودی، ح و کریم زادگان، ح (۲۰۱۲). «دغام مفاهیم آموزش محیط زیست و مباحث تنوع زیستی در برنامه درسی ایران»، سایت آموزش محیط زیست ایران.
- ولایی، ع (۱۳۸۴)، «لگوهای رفتار با طبیعت (محیط زیست) از دیدگاه قرآن و سنت، رشته علوم قرآن و احادیث»، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، پایان نامه دکترا.

Abedi-Sarvestani A, Shahvali M. (2008). Environmental ethics: Toward an Islamic perspective. American-Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Sciences 3(4): 609-617.

Barr, S., N. J. Ford and A.W. Gilg. (2003) "Attitudes towards Recycling Household Waste In Exeter, Devon: Quantitative & Qualitative Approaches", *Local Environment*, 8 (4): 407-421.

Budak, D. (2005) "Behavior & Attitude of Student Toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural", Turkey Applied Sciences . 5: (7) 1224- 1227.

Clearfield, F. and Osgood, B. T. (1986). *Sociological Aspects of the Adoption of Conservation Practices*, Washington, D.C.

Fenton, D. M., Gregor, C. M. and Cary, J. (2000). *Framework and review of Capacity and motivation for change to sustainable management practices. Bureau of Rural Sciences – Putting People in the Picture. Final Report. Theme 6: Project 6.2.1.*



Frick, Jacqueline , G. Kaiser, Florian and Wilson, Mark (2004). "Environmental knowledge and conservation behavior: exploring prevalence and structure in a representative sample", *Personality and Individual Differences*, Vol 37 :1597-1613.

Hansen TB. (2005). Teaching Ethics to Science and Engineering Students. Center for the Philosophy of Nature and Science Studies at the University of Copenhagen, Copenhagen.

Hedlund, T. (2011). "The Impact of Values, Environmental Concern, and Willingness to Accept Economic Sacrifices to Protect the Environment on Tourists Intentions to Buy Ecologically Sustainable Tourism Alternatives", *Tourism and Hospitality Research*, 11:(۴) 278-288.

Lichtenberg, E. and Zimmerman, R. (1999). *Information and farmers' attitudes about pesticides, water quality, and related environmental effects*. Agriculture, Ecosystems and Environment, 73(3), 227-236.

Moisander, J. and Pesonen, S. (2002). Narratives of sustainable ways of living: constructing the self and the other as a green consumer. *Management Decision*, 40, 329–342.

Nordlund, A., and Garvill, J. (2002). "Value Structures and Behavior towards the Environment: The Case of Lake Burder" *Environment and Behavior*, 34: 363-377.

Paarlberg R. (2009). The ethics of modern agriculture. *Society* 46 (1): 4-8.

Sattler, C. and Nagel, U. J. (2010). *Factors affecting farmers' acceptance of conservation measures: A case study from north-eastern Germany*. Land Use Policy, 27(1), 70–77.

Schenk, A., Hunziker, M. and Kienast, F. (2007). Factors influencing the acceptance of nature conservation measures: A qualitative study in Switzerland. *Journal of Environmental Management*, 83(1), 66-79.

Schultz, P. W. and Zelezny, L. (1999). "Values and Proenvironmental Behavior: A Five-Country Study", *Cross-Cultural Psychology*, 29: 540-558.

Schwartz, S. H. (1992). "Universals in the Content and Structure of Values: Theoretical Advances and Empirical Tests in 20 Countries," *Advances in Experimental Social Psychology*, Orlando, FL: Academic Press: 1-65.

Shobeiri, Omidvar and Prahalada (2007). "Influence of Gender and Type of School on Environmental Attitude of Teachers in Iran & India", *Int. J. Environ. Sci. Tech*, 3 (4): 351-357.

Steg, L., De Groot, J. M., Dreijerik, L., Abrahamse, W., Siero F, (2011). "General Antecedents of Personal Norms, Policy Acceptability, and Intentions: The Role of Values, Worldviews, and Environmental Concern", *Faculty of Behavioral and Social Sciences, Version of Record First Published*, 24: 349-367.

Stern P. C., T. Dietz, and G. A. Guagnano (1995). "The New Ecological Paradigm in Social Psychological Context", *Environment and Behavior*, 27(6): 723-43.

Witherspoon, J. et al. (1995). *Control and production of toxic air emissions by publicly owned treatment works odor control equipment*, Water Environment Research Foundation.